



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
مرکز بررسی‌های راهبردی روابط فرهنگی

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دورهٔ پسا جنگ

مریم خالقی‌نژاد

کارشناس گروه خط‌مشی‌گذاری مرکز بررسی‌های راهبردی روابط فرهنگی

نوع سند: یادداشت سیاستی

نسخه: عمومی

شناسه سند: ۵۰۲۱۸-۰۴۲۳-۰۵۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۲/۱۸

گروه: خط‌مشی‌گذاری روابط فرهنگی

پرونده: دیپلماسی فرهنگی نوین





مقدمه

حملات مشترک آمریکا و رژیم صهیونی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران که در اسفندماه ۱۴۰۴ آغاز شد، با دفاع جانانه، مقاومت و شجاعت مردم غیور ایران، برگ زرینی در تاریخ انسجام ملی و تمدن اسلامی ایرانی، ثبت کرده است. در خارج از مرزهای ایران، جهان، در نسبت با جنگ رمضان شاهد واکنش‌های مختلفی از همسویی کامل و قرائت‌های رسمی دولت‌ها گرفته تا به میدان آمدن کنشگران غیردولتی در حمایت از ایران بوده است. به همین علت عصر پساجنگ برای ایران، عرصه‌ای نوین و پرچالش در حوزهٔ دیپلماسی فرهنگی به‌شمار می‌رود. این دوره، برخلاف دوران جنگ که عمدتاً بر دیپلماسی رسمی و تقابل مستقیم متمرکز بود، اکنون با فرصت‌هایی همراه است که از تغییرات ساختاری در سطح جهانی و منطقه‌ای نشأت گرفته‌اند. در این شرایط، هم حمایت آشکار و قاطعانه برخی دولت‌ها و دستگاه‌های رسمی و هم حمایت بازیگران غیردولتی، زمینه را برای بازتعریف و توسعهٔ دیپلماسی فرهنگی کشور فراهم کرده‌اند. مسئله اصلی آن است که در پساجنگ چگونه در سپهر واکنش‌های جهانی و منطقه‌ای زیست بومی جدیدی برای ایران به وجود آمده است؟ در این یادداشت تلاش شده است تا ضمن تبیین این تغییرات، تحلیل جامعی از زیست‌بوم جدید دیپلماسی فرهنگی ایران ارائه شود و با بهره‌گیری از نمونه‌های عینی و تحولات جاری، راهکارهای عملی برای بهره‌برداری بهینه از این فرصت‌ها پیشنهاد گردد.

تبیین مسئله

تحولات راهبردی در منطقهٔ خاورمیانه (به‌ویژه منازعات و درگیری‌های مستقیم با کشورهای خارج از منطقه)، همیشه دارای بازتاب‌های فراتر از جغرافیا و محدودهٔ درگیری بوده است و بر افکار عمومی جهان و الگوهای ادراکی و بازنمایی و یا حفظ سرمایه‌های اجتماعی تأثیراتی عمیق را داشته است. به همین دلیل پرداختن به این واکنش‌های جهانی در مورد مسئله مطرح شده که در قالب واکنش‌های دولتی و غیردولتی و یا واکنش افکار عمومی بازتاب پیدا می‌کند، می‌تواند راهگشای دیپلماسی فرهنگی کشور در پساجنگ و پسابحران باشد. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز در دورهٔ پساجنگ با تغییرات بنیادینی مواجه شده است که زمینه‌ساز شکل‌گیری زیست‌بومی نوین در این حوزه شده‌اند. علت این تغییرات را می‌توان در سه محور اصلی بیان نمود:



- نخست، گسترش همبستگی‌های مردمی و حمایت‌های فراملیتی از ایران در سطح جهان؛
- دوم، تحول در میدان کنش دیپلماسی از شکل رسمی و محدود، به روندی شبکه‌ای و چندکاناله؛
- سوم، تنوع و پیچیدگی رویکردهای کشورهای غربی و به‌ویژه اروپایی، نسبت به ایران.

تحلیل موضوع: سه تغییر عینی و تشکیل زیست بوم جدید

در عصر پساجنگ، دیپلماسی فرهنگی ایران با تحولات عمیق و گسترده‌ای مواجه شده که ماهیت و ساختار آن را به‌طور بنیادین دگرگون کرده است. این تغییرات را می‌توان در چند محور کلیدی تحلیل کرد:

۱. رویکرد کشورهای غربی و اروپایی و آفریقایی و منطقه نسبت به تجاوزات آمریکا و اسرائیل به ایران

فضای دیپلماسی فرهنگی در اروپا و غرب، به دلیل تنوع دیدگاه‌ها و منافع ملی متفاوت، پیچیده و چندلایه شده است. برخلاف سیاست‌های سختگیرانه و یکپارچه آمریکا، برخی کشورهای اروپایی مانند اسپانیا به دنبال رویکردهای ملایم‌تر، میانجیگری و گسترش همکاری‌های فرهنگی و علمی با ایران هستند. این کشورها به‌جای ورود مستقیم به تنش‌های نظامی و سیاسی، بر گفت‌وگوی فرهنگی، پروژه‌های تبادل علمی و هنری و فعالیت‌های حقوق بشری تأکید دارند. این رویکردها باعث ایجاد شکاف و اختلاف نظر بین اروپا و آمریکا شده و فضای مناسبی برای ایران فراهم آورده است تا از طریق دیپلماسی فرهنگی، روایت‌های انسانی، تمدنی و صلح‌آمیز خود را در عرصه بین‌المللی گسترش دهد. به‌طور مشخص، این فرصت به ایران امکان می‌دهد تا در کنار تقویت دیپلماسی رسمی با اروپا، از طریق همکاری‌های دانشگاهی، پروژه‌های هنری مشترک، کنفرانس‌های علمی و برنامه‌های تبادل فرهنگی، تصویر خود را در اروپا بهبود بخشد و به زبان مشترکی برای تعاملات سازنده دست یابد. در آفریقا نیز موضع رسمی آفریقای جنوبی در قالب بیانیه رسمی، با محوریت نگرانی عمیق از تشدید جنگ، دعوت به توقف خصومت‌ها، کاهش تنش و بازگشت به دیپلماسی اعلام شده است. دلالت مهم این موضع، تکیه بر چارچوب‌های



رایج حقوق بین‌الملل و ضرورت پرهیز از گسترش درگیری است؛ زیرا بیانیه رسمی دولت در این قالب معمولاً از «زبان هنجاری» (پرهیز از تشدید، احترام به قواعد بین‌المللی، راه‌حل سیاسی) استفاده می‌کند. برای مثال در تونس موضع رسمی آن بر اساس بیانیه وزارت خارجه این کشور شامل سه مؤلفه است: محکومیت حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران (با ادبیات تجاوز)، انتقاد یا محکومیت هم‌زمان نسبت به هدف‌گیری برخی کشورها توسط ایران و توصیه‌های احتیاطی به شهروندان (به‌ویژه در کشورهای حاشیه خلیج فارس) است.

ردیف	نام کشور	خلاصه موضع رسمی دولت (کلیدواژگان)
۱	آفریقای جنوبی	نگرانی عمیق؛ کاهش تنش؛ توقف خصومت‌ها؛ بازگشت به دیپلماسی؛ حقوق بین‌الملل
۲	الجزایر	محکومیت قاطع حملات؛ حمایت ضمنی از ایران؛ امنیت منطقه‌ای/بین‌المللی؛ چندجانبه‌گرایی
۳	اوگاندا	حفاظت از اتباع؛ هشدار کنسولی؛ مدیریت ریسک؛ عدم جانبداری سیاسی
۴	تانزانیا	خویش‌اندازی؛ نگرانی منطقه‌ای؛ توصیه احتیاطی؛ بازگشت به گفت‌وگو
۵	تونس	محکومیت حملات؛ ادبیات تجاوز؛ نقد متقابل؛ احتیاط برای اتباع
۶	زیمبابوه	دیپلماسی؛ گفت‌وگو؛ پرهیز از تشدید؛ نگرانی اقتصادی (انرژی)؛ بی‌طرفی نرم
۷	غنا	نگرانی از تشدید؛ حفاظت از اتباع؛ هشدار سفر؛ دیپلماسی؛ تعامل چندجانبه
۸	کنیا	هشدار کنسولی گسترده؛ حفاظت از اتباع؛ نگرانی زیرساختی؛ کاهش تنش؛ همبستگی منطقه‌ای
۹	مصر	آتش‌بس فوری؛ توقف عملیات؛ راه‌حل سیاسی؛ میانجی‌گری؛ مدیریت بحران
۱۰	نیجریه	خویش‌اندازی؛ عدم تشدید؛ گفت‌وگو؛ راه‌حل دیپلماتیک

منبع: گزارش‌های ارسالی رایزنان

اکثر مقامات کشورهای منطقه (چه مقامات رسمی و چه غیررسمی) نیز اعم از ترکیه و پاکستان و عراق و... به محکومیت این امر پرداخته‌اند. برای مثال در ترکیه علاوه بر رئیس‌جمهور و مقامات رسمی، برخی از احزاب مانند حزب عدالت و توسعه، حزب حرکت ملی، حزب جمهوری‌خواه خلق، حزب دموکراتیک خلق‌ها، حزب سعادت، حزب آینده و سایر احزاب و یا مقامات غیررسمی مانند روزنامه‌نگارانی مانند عبدالقادر سلوی، یوسف کاپلان، اسماعیل قلیچ ارسلان، مراد آغیرال، محمدعلی گولر و یا عالم برجسته دینی به نام خیرالدین کارامان از اساتید برجسته فقه و الهیات ترکیه، این حرکت را محکوم نموده‌اند. مردم پاکستان نیز همراه دولت، به این حمله معترض شده و حتی اعتراضاتی که در مقابل کنسولگری آمریکا در کراچی صورت گرفت، منجر به جان باختن تعدادی از



شهروندان شده بود. در این کشور مقامات رسمی از آصف علی زرداری رئیس‌جمهور تا شهباز شریف و خواجه محمد آصف و فیصل جاوید و فرحت الله بابر و... و حتی مقامات پیشین مانند نواز شریف به نقد این تجاوز و محکومیت آن پرداختند. همچنین احزابی چون حزب مسلم لیگ شاخه نواز، حزب تحریک انصاف، حزب مجلس وحدت مسلمین، جماعت اسلامی پاکستان و سایر احزاب دیگر و افراد غیردولتی از نخبگان و روشنفکران؛ مانند علامه طاهر اشرفی، مولانا فضل الرحمان، علامه سید ساجد نقوی، مولانا عبدالعزیز، سید شهنشاه حسین نقوی و یا روزنامه‌هایی مانند روزنامهٔ داون، روزنامهٔ the new international، روزنامهٔ express tribune، روزنامهٔ جنگ، روزنامهٔ نوای وقت و... و یا بازیگران و افراد سرشناس مانند نادیا خان، میثی خان، مدیحه رضوی و مایا علی و... از بازیگران سرشناس، سمر جعفری و عاصم اظہر (خواننده)، ملاله یوسف زی برندهٔ جایزهٔ نوبل، شاهد آفریدی ورزشکار و... همگی جنگ تحمیلی سوم را محکوم و از ایران حمایت کرده‌اند.

در مالزی نیز با بررسی واکنش‌های رسمی و غیررسمی می‌توان شواهدی دال بر همبستگی با مردم ایران را مشاهده کرد؛ مثلاً انور ابراهیم نخست‌وزیر مالزی جنایات آمریکا و اسرائیل را محکوم نموده است و یا نخست‌وزیر سابق داتوک سری دکتر اسماعیل صبری بن یعقوب، حاج محمد عظمی بن عبد الحمید رئیس شواری مشورتی سازمان‌های اسلامی، دکتر فیضل موسی (تهرانی)، پروفیسور دکتر محمد روسلان بن محمد نور، داتوک سری اوتام مخریز محتاتیر، روحیدزیر بن رییس و... همه از شخصیت‌های رسمی و غیررسمی، این تجاوز را محکوم نموده‌اند.

در اندونزی نیز به همین صورت تلفیقی از شخصیت‌های رسمی و غیررسمی اعم از بیانیۀ وزارت امور خارجه، مواضع پارلمان و احزاب، سازمان‌های مسیحی و کنفسیوسی و سازمان اهل بیت اندونزی و دانشگاه و مراکز علمی مانند دانشگاه اسلامی اندونزی، پژوهشکدهٔ مطالعات بین‌الملل و... به محکومیت این تجاوز پرداخته‌اند.

در افغانستان نیز مسیر اگرچه در عرصۀ رسمی بیشتر به صورت بی‌طرفی و محتاطانه به نمایش گذاشته شد، مقامات طالبان با تأکید بر ضرورت کاهش و تنش و حل اختلاف از طریق دیپلماسی، در بیانیه‌های وزارت خارجه، مقامات امنیتی و دفاعی و اقتصادی یا فرهنگی مواضع و واکنشی دولتی، بیشتر بر بی‌طرفی فعال بوده است، اما افرادی مانند حامد کرزی و عبدالله عبدالله، مارشال عبدالرشید دوستم، صلاح الدین ربانی و یا در میان



علمای شیعه و سنی و محافل دانشگاهی و تحلیلگران همسو و یا فعالان فضای مجازی، این حرکت را تهدیدی برای جهان اسلام و در مقابل، واکنش ایران را باعث تقویت روحیه جبهه مقاومت دانسته‌اند. لذا می‌توان سوسویی از حمایت و همبستگی با ایران را مشاهده کرد.

در کشور هند نیز اگرچه جریان رسمی، بی‌طرفی فعال را اتخاذ نمود، اما جریان‌هایی مانند جریان مسلمانان و جریان غیرمسلمانان هوادار تمدن ایرانی مبتنی بر پیوند آریایی، از ایران حمایت کرده و اقدام متجاوزان را محکوم نموده‌اند.

در کشور عراق هم می‌توان گفت این واقعه (به‌ویژه ترور مقام معظم رهبری و سایر جنایات جنگی مانند مدرسه میناب)، به نقطه پیوند دهنده و تجلی‌گاه وحدت میان مردم و احزاب و دولت عراق با ملیت ایران در جهت تداوم بر مسیر ایستادگی در برابر استکبار شد. واکنش مراجع و مردم و نخبگان هنری و ورزشی و دولت عراق و اعلام عزای عمومی و یا صدور بیانیه‌ها و پیام‌ها از سوی مقامات رسمی و غیررسمی مانند عبدالرشید جمال لطیف، عبدالامیر الشمیری، احمد الفتلاوی و یاجریان‌هایی مانند چارچوب هماهنگی، مقتدی صدر، سید عمار حکیم و یا مواضع فرماندهان گردان مقاومت، همچنین برخی ادبا و شعرا و هنرمندان که تجمع هنرمندان عراق را برگزار کردند و یا دانشگاه‌ها نهادهای آموزشی مانند دانشگاه مستنصریه بغداد، دانشگاه پزشکی مستنصریه، دانشگاه ابن خلدون، دانشگاه اسلامی نجف، دانشگاه امام صادق و... و بیانیه‌های عشایر و نخبگان و رسانه‌ها و همچنین باشگاه‌های ورزشی مثل الطلبة، الشرطة العراقية، باشگاه نجف اشرف، باشگاه نفت میسان و... در حمایت از ایران، باعث تجلی و جلوه‌گر شدن همبستگی بیش از گذشته میان دو کشور و ملت شد.

گسترش کانال‌ها و تنوع بازیگران دیپلماسی فرهنگی

با عطف به حمایت اقشار و لایه‌های مختلف جوامع در خارج از ایران در جنگ تحمیلی سوم، آنچه که آشکار است این است که در مقطع زمانی کنونی، دریچه‌های جدیدی در این مسیر در پیش روی ایران قرار گرفته است که نیازمند توجه اقدامات مفید در این زمینه است. لذا دیپلماسی فرهنگی ایران، دیگر محدود به کانال‌های رسمی و دیپلماتیک نیست، بلکه بیش از هر چیزی باید این ظرفیت‌ها را حفظ و از نظر برقراری ارتباط، مدیریت نماید. اکنون بازیگران غیردولتی مانند دیاسپورا، دانشگاه‌ها، هنرمندان، فعالان حقوق بشری



و رسانه‌های مستقل نقش پررنگ‌تری یافته‌اند. بازگشت بسیاری از دیاسپوراهای ایرانی و تغییر مواضع برخی از آنها به حمایت از ایران، حضور فعال‌تر نهادهای آموزشی و فرهنگی و همکاری‌های فراملیتی، همه نشانه‌هایی از این تحول هستند. در این دوره، بازیگران غیردولتی مانند مردم کشورهای مختلف، دیاسپوراهای ایرانی، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، هنرمندان، فعالان حقوق بشری، رسانه‌های مستقل و نهادهای جامعهٔ مدنی، نقش بسیار پررنگی یافته‌اند. این شبکه‌های متنوع، پیام‌ها و روایت‌های ایران را با سرعت، انعطاف و عمق معنایی بیشتری به مخاطبان جهانی منتقل می‌کنند. به‌عنوان مثال، تغییر در افکار و مسیر راه برخی از دیاسپوراهای ایرانی در کشورهای مختلف و یا بازگشت خیلی از دیاسپورا به ایران، عامل مهمی تلقی می‌شود؛ چراکه دیاسپورا با برگزاری رویدادهای فرهنگی، انتشار مقالات و فعالیت‌های رسانه‌ای، این ظرفیت را دارند که تصویر انسانی و تمدنی ایران را تقویت نموده و روایت درست از تجاوز آمریکا و اسرائیل ارائه دهند. از سوی دیگر حمایت دانشگاه‌ها و مراکز علمی و صدور بیانیه نیز مورد مهم دیگری است که باید به آن توجه شود. در پساجنگ دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فکری با همکاری‌های پژوهشی و گسترش ارتباطات علمی و فرهنگی می‌توانند بازوی روایت درست از سوی ایران باشند.

شاید قشر بعدی از کنشگران غیردولتی را بتوان هنرمندان عرصهٔ سینما و فیلم و ورزش نام برد که به حمایت از ایران برخاسته و می‌توانند هر کدام سفیران صلح دیپلماسی فرهنگی ایران باشند. این تنوع بازیگران باعث خواهد شد که دیپلماسی فرهنگی ایران از حالت تک‌کاناله و رسمی خارج شده و به شبکه‌ای پویا و چندلایه تبدیل شود که قادر است در سطوح مختلف و با مخاطبان متنوع ارتباط برقرار کند.

نقش محوری محور مقاومت و پیوستگی منطقه‌ای

در سطح منطقه‌ای، محور مقاومت به‌عنوان یک شبکه استراتژیک فرهنگی، آموزشی و بشردوستانه عمل می‌کند که می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای قوی برای دیپلماسی فرهنگی ایران به‌شمار آید. این محور، شامل کشورهایی مانند لبنان، یمن و عراق است که علاوه بر همکاری‌های سیاسی و نظامی، در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی و بشردوستانه نیز همکاری‌های گسترده‌ای دارند.

آنچه که عیان است عملکرد محور مقاومت در طول جنگ است که بار دیگر همبستگی خویش را با جمهوری اسلامی ایران به عرصهٔ عمل کشانده و حتی همراهی و یکپارچگی



محور مقاومت در مقابله با رژیم اسرائیل و آمریکا را بیش از پیش به تصویر کشاندند. در این چارچوب، پیام مقاومت به عنوان اصل مشترک میان جهان اسلام به جهان نمایان شده است و باعث تأثیر بر جنبه‌های امنیتی و نظامی و افزایش تمرکز بر بعد فرهنگی و انسانی مقاومت می‌شود و به تقویت همبستگی منطقه‌ای و ایجاد تصویر مثبت و انسانی از محور مقاومت و ایران در سطح منطقه و فراتر از آن کمک کرده است.

دو نکته مهم در زیست‌بوم جدید

نکته اول؛ الزام توجه به حفظ سرمایه‌های اجتماعی نوین و بازتعریف روایت‌ها و

تولید سرمایه اجتماعی پایدار

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زیست‌بوم جدید، امکان بازتعریف روایت‌های ایران است، روایت‌هایی که فراتر از سیاست‌های رسمی، ابعاد انسانی، فرهنگی، تمدنی و صلح‌آمیز کشور را نشان می‌دهند. این روایت‌ها از طریق کانال‌های متنوع و بازیگران مختلف در سطح جهانی منتشر می‌شوند و می‌توانند به تولید سرمایه اجتماعی پایدار برای ایران منجر شوند. این سرمایه اجتماعی، شامل اعتماد و همبستگی میان ایران و جوامع هدف است که زمینه‌ساز همکاری‌های بلندمدت و مؤثر در حوزه‌های علمی، فرهنگی و انسانی خواهد بود. بهره‌گیری از این سرمایه، می‌تواند به کاهش تنش‌ها، افزایش تعاملات سازنده و ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل کمک کند.

نکته دوم: چالش‌های سیاستی در زیست‌بوم جدید

زیست‌بوم جدید دیپلماسی فرهنگی ایران فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای گسترش نفوذ نرم و ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور فراهم کرده است، اما همزمان با چالش‌هایی نیز همراه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به فشارهای سیاسی و اقتصادی برخی کشورها، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، محدودیت‌های مالی و منابع و نیز پیچیدگی‌های فضای رسانه‌ای و اطلاعاتی اشاره کرد. برای مواجهه با این چالش‌ها، ایران نیازمند سیاست‌گذاری‌های چندکاناله و انعطاف‌پذیر است که بتواند از ظرفیت‌های مختلف بازیگران دولتی و غیردولتی بهره‌برداری کند. همچنین، ایجاد سامانه‌های پایش روایت‌های بین‌المللی و پاسخ‌گویی سریع به تحریف‌ها و اخبار نادرست اهمیت فراوانی دارد تا تصویر ایران در سطح جهانی به سمت ثبات و ارزش‌های انسانی هدایت شود. ارزیابی مستمر اثرگذاری پروژه‌ها و کانال‌ها و تخصیص بهینه منابع نیز از دیگر ضرورت‌های این دوره است.



نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

همهٔ این موارد نشان می‌دهد که چگونه زیست‌بوم جدید دیپلماسی فرهنگی ایران، با تنوع بازیگران، تغییر رویکردهای بین‌المللی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، فرصت‌های فراوانی را در اختیار کشور قرار داده است که با بهره‌گیری هوشمندانه از آنها می‌توان جایگاه ایران را به‌طور چشمگیری در عرصهٔ جهانی ارتقا داد.

زیست‌بوم جدید دیپلماسی فرهنگی ایران در عصر پساجنگ، فرصتی بی‌نظیر برای بازتعریف تصویر ایران و تقویت قدرت نرم کشور فراهم کرده است. برای بهره‌برداری بهینه از این فرصت‌ها پیشنهاد می‌شود:

- **طراحی نقشه راه چندسطحی و چندکاناله:** هماهنگی میان کانال‌های رسمی، نهادهای آموزشی، هنری و دیاسپورا؛ به‌گونه‌ای که هر کدام نقش مشخصی در ارتقای تصویر انسانی و تمدنی ایران ایفا کنند.
- **تنوع‌بخشی به ابزارهای دیپلماسی فرهنگی:** استفاده از پروژه‌های علمی-فرهنگی، تبادلهای دانشگاهی، رویدادهای فرهنگی منطقه‌ای و جهانی و همکاری‌های بشردوستانه با ارزیابی مستمر اثرگذاری.
- **حمایت حقوقی و مالی از کنشگران غیررسمی:** ایجاد سازوکارهای حقوقی و مالی برای حمایت از هنرمندان، پژوهشگران، رسانه‌ها و NGOها که روایت ایران را به‌طور مداوم و مثبت منتقل می‌کنند.
- **تقویت همکاری‌های منطقه‌ای:** توسعهٔ پروژه‌های مشترک با کشورهای همسو در منطقه برای افزایش زبان مشترک و فهم متقابل؛ به‌ویژه از طریق کارگاه‌های علمی-هنری، تبادل دانش و همکاری‌های بشردوستانه.
- **ارزیابی و بازنگری پویا:** تعریف شاخص‌های ارزیابی اثرگذاری برای هر کانال و فعالیت و به‌روزرسانی سیاست‌ها و برنامه‌ها بر اساس تغییرات فضای منطقه‌ای و جهانی.
- **شبکه‌سازی از حامیان و طرفداران ج.ا.ی. در جنگ تحمیلی سوم توسط رایزنان:** با توجه به حمایت بسیاری از هنرمندان و ورزشکاران و یا افراد شاخص



در کشورهای مختلف از جمهوری اسلامی ایران در جنگ رمضان، رایزنان فرهنگی می‌توانند با دعوت آنها و اعطای نشان سفیران صلح شبکه‌ای از حامیان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل دهند. نمونه دیگر می‌تواند در خصوص اندیشکده‌هایی باشد که در این جنگ به تحلیل‌هایی پرداخته‌اند که همسو با ایران بوده است و از آنها به‌عنوان مروجان صلح و حقوق بشر تقدیر و تشکر کرد و شبکه‌ای از اندیشکده‌های حامی ایران را با این اقدامات ایجاد نمود.

سخن آخر آنکه دیپلماسی فرهنگی ایران در عصر پساجنگ، با بهره‌گیری از شبکه‌ای گسترده و متنوع از بازیگران و کانال‌ها، فرصت‌های جدیدی برای ارتقای تصویر کشور و ایجاد پیوستگی‌های پایدار در سطح جهانی یافته است. این زیست‌بوم چندکاناله و چندسطحی، ایران را از وضعیت واکنشی به کنشگری فعال، سازنده و همبستگی‌آفرین تبدیل خواهد کرد. با طراحی سیاست‌های انعطاف‌پذیر، حمایت از بازیگران غیررسمی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ایران می‌تواند جایگاه خود را در عرصه دیپلماسی فرهنگی به‌طور چشمگیری ارتقا دهد.

منبع

گزارش‌های منتشرشده رایزنان فرهنگی در سامانه چارگون سازمان فرهنگ، با عنوان «گزارش تحلیلی مواضع دولت‌ها، احزاب، شخصیت‌ها و افکار عمومی، قاره آفریقا و کشورهای اروپایی در خصوص جنگ رمضان».